

فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

شماره بیست و هفتم. زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۱۱-۱۳۳ Vol 3. No 27. 2018, p 111-133

ISSN: (2538-6395)

شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵)

مواضع اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران (اعمال حقوقی اقدامات متقابل بر اقدامات اتحادیه اروپا در واکنش به برنامه هسته‌ای ایران و مسئولیت سازمان اتحادیه اروپا)

ابراهیم انوشه^۱. سید مهدی خاتمی^۲

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، ایران

a_anooshin@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، ایران

Mehdi.manifest66@gmail.com

چکیده

اقدامات و برنامه‌های هسته‌ای ایران واکنش‌های زیادی را در پی داشته که از آن جمله می‌توان به مطرح شدن پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌هایی شورای مزبور علیه ایران و همچنین تحریم‌های یکجانبه برخی از کشورها و اقدامات برخی از سازمان‌های بین‌المللی علیه ایران اشاره نمود. یکی از مهمترین این واکنش‌ها، واکنش اتحادیه اروپا به برنامه‌ها و فعالیت‌های هسته‌ای ایران بوده. خاص بودن چنین وضعیتی که ناشی از بی سابقه بودن آن است، مستلزم بررسی قانونی بودن آن در چارچوب حقوقی مناسب است. در این راستا، نوشته حاضر بعد از ارائه سابقه فعالیت‌های هسته‌ای ایران و واکنش‌های انجام گرفته علیه آن، ضمن بررسی حقوق قابل اعمال بر آن، به این نتیجه می‌رسد که اقدامات اتحادیه اروپا در واکنش به برنامه‌های هسته‌ای ایران در چارچوب حقوق اقداماتی تحت عنوان خودیاری و حقوق مسئولیت بین‌المللی اعم از حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و به ویژه حقوق اقدامات متقابل قابل بحث و بررسی است. با تعیین ماهیت حقوقی اقدامات اتحادیه اروپا به عنوان اقدامات متقابل و اعمال حقوق قابل اعمال بر آن که در طرح مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی گردآوری شده است، به نظر می‌رسد، این اقدامات فاقد وجهت قانونی بوده و لذا مسئولیت اتحادیه اروپا به عنوان یک سازمان بین‌المللی را به دنبال داشته است. از این رو به نظر می‌رسد، سازمان مزبور به عنوان یک سازمان بین‌المللی می‌بایست آثار و تبعات مسئولیت خود را پذیرفته و مبادرت به ایفای تعهداتی نماید

که از چنان مسئولیتی ناشی می‌شود. مقاله حاضر که به روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متون حقوقی و قواعد بین‌المللی و تطبیق آن با حقوق داخلی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌های هسته‌ای ایران، اقدامات اتحادیه اروپا علیه ایران، خودیاری، حقوق مسئولیت بین‌المللی، تحریم، اقدامات متقابل.

مقدمه

نوشته حاضر با مدنظر قرار دادن اقدامات اقتصادی اتحادیه اروپا علیه ایران و به‌ویژه اقداماتی که اتحادیه مزبور در اوایل سال ۲۰۱۲ علیه ایران اتخاذ نمود، به بررسی قانونی بودن آن اقدامات در پرتو حقوق مسئولیت بین‌المللی و به طور خاص‌تر حقوق اقدامات متقابل می‌پردازد. به بیان واضح‌تر محور بحث پیش‌رو بررسی وجهت قانونی اقداماتی است که یک سازمان بین‌المللی منطقه‌ای به طور یکجانبه و خودسرانه علیه کشوری اتخاذ نموده است. البته نباید از نظر دور داشت که ایران قبل از انجام اقدامات مذکور توسط اتحادیه اروپا، هدف چندین دوره از تحریم‌های شورای امنیت بوده و هست، که بر اساس فصل هفتم اتخاذ شده‌اند. براین اساس می‌توان ادعا نمود که وضعیت مورد مطالعه به دلیل بی سابق بودن آن وضعیتی خاص است.

اتحادیه اروپا در تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲، پیرو مذاکرات پرتنش بین ایران از یک طرف و اتحادیه و شرکای آن به ویژه ایالات متحده آمریکا از طرف دیگر «اقدامات محدود کننده» (restrictive measures) مضاعفی را علیه ایران اتخاذ نمود. اتحادیه در راستای اتخاذ این اقدامات اعلام نمود:

«شورا موافقت نموده اقدامات محدود کننده بیشتری در بخش‌های انرژی (از قبیل، تحریم واردات نفت خام ایران به اتحادیه)، مالی (از قبیل، تحریم بانک مرکزی)، حمل و نقل و صادرات علیه ایران اتخاذ نماید. همچنین این اقدامات شامل طلا، کالاهای و فن‌آوری‌های دارای کار برد دو گانه و همچنین اشخاص و موجودیت‌هایی از قبیل اشخاصی می‌شوند که تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار دارند».

بی‌سابقه بودن اقدامات اتحادیه در این زمینه باعث مطرح شدن سولات متعددی در خصوص قانونی بودن آنها بر اساس موازین حقوق بین‌الملل می‌شود. به نظر می‌رسد، پاسخ به چنین سولاتی می‌بایست با بررسی اقداماتی شروع شود که از نخستین اقدام شورای امنیت (۲۰۰۶) آغاز و تا آخرین اقدام اتحادیه اروپا در در این زمینه ادامه داشته است. از طرفی برای پاسخ به سوال مطرح در خصوص قانونی بودن اقدامات یاد شده، در وهله اول، می‌بایست حقوق قابل اعمال بر این وضعیت مشخص شود که این امر خود مستلزم تعیین ماهیت حقوقی چنین اقداماتی است. سپس، بر اساس نتایج بدست آمده در خصوص ماهیت حقوقی این اقدامات و حقوق قابل اعمال بر آن، باید اقدام به ارزیابی قانونی بودن یا نبودن این اقدامات چه به لحاظ شکلی و چه به لحاظ ماهوی نمود.

در خصوص ماهیت حقوقی اقدامات مورد بحث باید گفت، در بدو امر، این اقدامات را شاید بتوان با ماهیت حقوقی اقداماتی از قبیل، «اقدامات تلافی جویانه» (retorsion)، تحریم (اعم از اینکه ناشی از تصمیمات شورا یا خود جوش باشند) سازگار دانست اما در نهایت، مذاقه بیشتر نشانگر آن است که اقدامات مزبور با ماهیت حقوقی اقدامات متقابل سازگارتر هستند.

در نهایت از اعمال حقوق مزبور به اقدامات اتحادیه اروپا می‌توان به این نتیجه دست یافت که اقدامات اتحادیه اروپا مسئول اقدامات و اعمال متخلفانه خود خواهد بود. در این راستا می‌توان طرح سال ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان راهنمایی برای احراز آن مسئولیت و آثار آن به کار برد.

۱. مفاهیم و کلیات پژوهش

۱-۱ ضرورت و اهمیت پژوهش

نگاه اروپا به ایران با توجه به جایگاه کشورهای اروپایی در نظام بین‌الملل و تاثیرگذاری آنها در موضوعات مهم جهانی از جمله پرونده هسته‌ای ایران حائز اهمیت است. کشورهای اروپایی همواره نگاه ویژه‌ای به منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس داشته‌اند. نفوذ سیاسی و تسلط بر بازارهای اقتصادی با توجه به جمعیت قابل توجه در این منطقه همواره از نکات قابل توجه اروپا به این منطقه بوده است (نجات پور و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۶). با تشدید بحث پرونده هسته‌ای و مناقشات گسترده‌ای که در این زمینه میان طرف‌های درگیر به وقوع پیوسته، اهمیت موضوع روابط با ایران برای رهبرای رهبران اتحادیه اروپا دوچندان شده است.

آنچه روشن است، موضوع هسته‌ای در زمره‌ی طولانی‌ترین مناقشه‌ی بین‌المللی خارج از روابط قدرت‌های بزرگ، پس از دوران جنگ سرد قلمداد می‌شود. شش قدرت جهانی هم به صورت مستقیم درگیر آن هستند که از این نگاه هم، کم نظیر تلقی می‌شود. تحریم‌های اعمالی علیه ایران در موضوع هسته‌ای نیز فقط بر اقتصاد بلکه بر بسیاری از کشورهای دیگر هم به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تاثیر داشته است (عابدینی و ایزدی، ۱۳۹۶، ۲۷۳).

تحریم گاه جایگزین اقدام نظامی است. علاوه بر آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل متحد از تحریم‌ها به منظور صلح و جلوگیری از جنگ در سراسر جهان استفاده کرده است. استفاده‌ی گسترده از تحریم در روابط بین‌الملل نظر بسیاری از محققان حوزه‌های مختلف تخصصی را به خود جلب کرده است و به مطالعه‌ی تحریم، نتیجه، اثربخشی و جنبه‌های اخلاقی و قانونی آن پرداخته‌اند (کریمی، ۱۳۹۶، ۱۸۰).

عموما تحریم‌های اقتصادی ابزاری هستند برای تغییر رفتار کشورها بنابر دلایل مختلف و به منظور دستیابی به اهداف سیاسی تعریف شده و دنبال کردن سیاست خارجی با صدمه وارد کردن به اقتصاد کشور هدف. امروزه با گسترش حقوق بین‌الملل کشورها ملزم به رعایت اصول و هنجارهای حقوق بین‌الملل در تنظیم

روابط خویش با یکدیگر می‌باشند. باید در نظر داشت تحریم‌های اقتصادی اصولاً چه از منظر حقوق بین الملل به ویژه حقوق بین الملل اقتصادی از وجاهت حقوقی برخوردار نمی‌باشد و با اصول مورد قبول تجارت بین الملل از سوی کشورهای غربی و هنجارهای حقوق بین الملل هم‌خوانی ندارد (ابراهیمی، ۱۳۹۵، ص ۹۶).

مطالعه‌ی نتایج احتمالی تحریم اهمیت زیادی برای کشورهای درگیر در تحریم دارد، چه برای کشورهای تحریم کننده و چه کشورهای هدف (تحریم شونده)؛ زیرا رهبران سیاسی‌ای که در این کشورها مسئول تصمیم‌گیری هستند، علاقه دارند که پیشاپیش از نتایج احتمالی اقدامات خود آگاه شوند. آنها همچنین مشتاق‌اند اثرهای سناریوهای مختلف محتمل را، در صورت اقدام متقابل و رفت و برگشتی بدانند (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۰).

در هر صورت، بحران هسته‌ای جزئی از تاریخ معاصر ایران است که پیامدهای دیپلماتیک، امنیتی و اقتصادی آن بسیار گسترده است (عابدینی و ایزدی، ۱۳۹۶، ص ۲۷۳). از زمان اعلام دستیابی ایران به فناوری چرخه سوخت هسته‌ای در سال ۱۳۸۱، برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی به یکی از مهم‌ترین موضوعات و دستور کارهای بین المللی و منطقه‌ای تبدیل شده است. فعالیت هسته‌ای ایران نه تنها یکی از محورهای مسایل اساسی سیاست خارجی کشور را تشکیل می‌دهد، بلکه مولفه و متغیر تاثیرگذاری در مناسبات جهانی و منطقه‌ای بشمار می‌رود، به گونه‌ای که یکی از عوامل و عناصر تعیین و تنظیم کننده روابط و تعاملات دو و چند جانبه در سطوح بین المللی و منطقه‌ای، فعالیت هسته‌ای ایران است (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۶، ص ۵۶).

۲-۱ تعریف اقدامات متقابل

هر نوع رابطه حقوقی بین تابعان نظام‌های حقوقی یا نتیجه انجام اعمال حقوقی است و یا تحقق وقایع حقوقی. در نظام حقوق بین الملل نیز با نقض تعهد، رابطه جدیدی بین موجودیت مسئول از یک طرف و موجودیت متضرر از نقض تعهد از طرف دیگر، به وجود می‌آید. محتوای این چنین تعهدی ایجاد تعهداتی جدید برای موجودیت مسئول و حقوقی برای موجودیت زیان دیده است. از جمله حقوق موجودیت زیان دیده، استناد به مسوولیت موجودیتی است که اقدام به نقض تعهد نموده است. یکی از مصادیق بارز استناد به مسوولیت اتخاذ اقدامات متقابل است که در این فصل به تعریف، شرایط و محدودیت‌های آن خواهیم پرداخت.

علی‌رغم اهمیت اقدامات متقابل به عنوان ابزاری برای به اجرا در آوردن قانون یا حقوق چندان مورد توجه نبوده‌اند ولی امروزه این امر مورد توجه کمیسیون حقوق بین‌الملل^۱ دیوان بین المللی دادگستری

۱. کمیسیون مزبور فصل دوم از بخش سوم از طرح مواد مسوولیت دولتها و فصل دوم از بخش چهارم طرح مسوولیت سازمان‌های بین المللی را به موضوع اقدامات متقابل اختصاص داده است.

(7, 1997, Gabíkovo)؛ رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی (ipib) و برخی از محاکم داوری قرار گرفته است.

۳-۱ طرفین اقدامات متقابل

۳-۱-۱ دولت یا سازمان هدف

موجودیت هدف اقدامات متقابل می‌بایست موجودیتی باشد که قبل از اتخاذ اقدامات متقابل علیه آن، مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شود. به عبارت دیگر موجودیت هدف اقدامات متقابل موجودیتی است که مسئولیت بین‌المللی آن در مقابل موجودیت زیان دیده محقق شده است. در بستر حاضر موجودیتی که ادعا می‌شود مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده یک کشور و در یک کلام جمهوری اسلامی ایران است. لذا به نظر می‌رسد برای پی بردن به صحت چنین ادعایی می‌بایست به قواعد ناظر بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مراجعه نمود. در این راستا می‌توان مشخصاً به طرح مسئولیت دولت‌ها و همچنین رویه قضایی موجود در این زمینه اشاره نمود که هر دو بیانگر قواعد عرفی بین‌المللی در این زمینه هستند. طبق ماده ۲ طرح مسئولیت دولت‌ها فعل متخلفانه دولت‌ها زمانی محقق می‌شود که اولاً، رفتاری به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت و دوم، همان رفتار نقض تعهد بین‌المللی آن دولت محسوب شود.^۲ علاوه بر این، رای دیوان دائمی دادگستری در پرونده زمین‌های فسفات‌دار در مراکش (Phosphates in Morocco, 1974, 10) و چند فقره از آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نیز موید این نکته است که از آن میان می‌توان به رای دیوان در پرونده کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران^۳ اشاره نمود.

در خصوص رکن اول عمل متخلفانه بین‌المللی یعنی انتساب رفتار، بی‌هیچ تردیدی می‌توان گفت که تمامی اعمال مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای ایران قابل انتساب به این کشور است، چرا که ماهیت این اقدامات به نحوی نیست که اشخاص خصوصی بتوانند در چنان وسعتی مبادرت به انجام آن نمایند. اما نکته قابل بحث، رکن دوم عمل متخلفانه، یعنی نقض تعهد است. برای حراز نقض تعهدات در وهله اول می‌بایست تعهدات هسته‌ای ایران مشخص و سپس با ید رفتار ایران در راستای برنامه‌های هسته‌ای خود منجر به نقض آن تعهدات شده یا خیر؟

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بعد از سه سال تحقیق و تلاش برای حل مسایل مربوط به برنامه‌های هسته‌ای ایران سرانجام در سپتامبر ۲۰۰۵ طی قطعنامه‌ای به این نتیجه رسید که قصور ایران در ایفای تعهدات ناشی از موافقت‌نامه‌های پادمان و همچنین نقض آنها منجر به عدم تبعیت این کشور از تعهدات هسته‌ای خود و مشخصاً بند ج ماده ۱۲ اساسنامه آژانس شده است. در چنین بستری، اتحادیه اروپا مکرراً بر این عقیده بوده که ایران مرتکب نقض تعهدات بین‌المللی خود شده و بنابراین، اتحادیه اروپا

2. United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, I. C. J. Reports 1980, p. 3

«اقدامات محدود کننده‌ای» را علیه ایران اتخاذ نموده است، که شرح آن در فصل اول از همین نوشتار داده شد. (ساعد، ۱۳۸۶، ۱۰۹)

اتحادیه اروپا اخیراً، طی «پیام مشترکی» که به سفارت خانه‌های کشورهای عضو فرستاده، صراحتاً به نقض تعهدات ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و قطعنامه‌های شورای حکام آژانس انرژی اتمی و همچنین عدم همکاری ایران با آژانس اشاره می‌نماید. عبارت عدم همکاری ایران با آژانس، عبارت کاملاً مبهمی است، اما شاید منظور اتحادیه اروپا از این عبارت، تبعیت ایران از موافقت نامه‌های پادمان و تعهدات ناشی از معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و در برداشتی موسع‌تر، تعهدات ناشی از معاهده موسس آژانس باشد.

موضوع تبعیت ایران از قطعنامه‌های شورای امنیت و یا بطور کلی اعتبار حقوقی این قطعنامه‌ها قبل از این مورد بررسی قرار گرفته و بحث شده است. لذا در این جا با گذر بحث در خصوص نقض تعهدات ناشی از آنها و قطعنامه‌های آژانس به تعهدات ناشی از موافقت‌نامه‌های پادمان و معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای پرداخته می‌شود.

۳-۱-۲ عناصر عمل متخلفانه سازمان‌های بین‌المللی در صورت اقدام متقابل

همانطور که گفته شد، منظور از مسئولیت اصلی یک سازمان بین‌المللی عبارت از آن شکلی از مسئولیت است که در آن یک سازمان بین‌المللی به واسطه مباشرت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مسئول قلمداد می‌شود. در این راستا باید گفت، طبق ماده ۳ طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی اعمال متخلفانه سازمان‌های بین‌المللی موجبات مسئولیت آنها را فراهم می‌نماید. از این رو در این قسمت سعی بر آن است تا با تکیه بر طرح مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی به تبیین مفهوم عمل متخلفانه بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی پرداخته شود. طبق ماده ۴ طرح مزبور، عمل متخلفانه یک سازمان بین‌المللی، هنگامی محقق می‌شود که رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل: الف) طبق حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن سازمان باشد؛ و ب) موجب نقض تعهد بین‌المللی آن سازمان محسوب شود. بر این اساس در این قسمت در وهله اول به بررسی قابلیت انتساب عمل به یک سازمان و در سپس به نقض اعهد پرداخته می‌شود. (سادات میدانی، ۱۳۸۷، ۹۶)

۳-۱-۳ تحقق نقض تعهد

طبق بند ۱ از ماده ۱۰ طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی هنگامی که عمل یک سازمان با الزامات برخاسته از تعهدی که بر عهده دارد، فارغ از منشأ یا ماهیت تعهد مزبور، مطابقت نداشته باشد، نقض تعهد بین‌المللی از سوی آن سازمان به وجود آمده است.

همانند مسئولیت دولت‌ها، عبارت «تعهد بین‌المللی» عبارت از تعهدی است که به موجب حقوق بین‌الملل ایجاد شده، «صرف نظر از منشاء» آن. همان گونه که در شرح و تفسیر ماده ۱۲ طرح دولت‌ها گفته شد، (International Law Commission, 2001, 54) هدف از چنین عبارتی القای این مطلب بوده که تعهدات بین‌المللی «می‌توانند ناشی از قواعد عرفی حقوق بین‌الملل، معاهدات یا اصول کلی قابل اعمال در نظم حقوقی بین‌المللی باشند».

امکان دارد متعهدله تعهد یک سازمان بین‌المللی، کل اجتماع بین‌المللی، چندین دولت اعم از دولت‌های عضو و غیر عضو آن سازمان، یک سازمان بین‌المللی دیگر و دیگر تابعان حقوق بین‌الملل باشد (غریب، ۱۳۸۴، ۷۲).

امکان دارد تعهدات یک سازمان بین‌المللی ناشی از قواعد آن سازمان باشد که در بند ب ماده ۲ مواد حاضر به قرار زیر تعریف شد: «قواعد سازمان» به طور خاص عبارت است از سند تأسیس، تصمیمات، قطعنامه‌ها و دیگر اسناد سازمان که طبق سند تأسیس به تصویب می‌رسند و رویه استقرار یافته‌ی سازمان ذیربط». از این رو به نظر می‌رسد بیان این مطلب که تعهدات ناشی از اسناد موسس سازمان‌ها و اعمال حقوقی الزام‌آور مبتنی بر آن اسناد در تحلیل نهایی تعهد بین‌المللی محسوب می‌شوند، محلی از اعراب نداشته باشد و از طرفی نیز باید گفت، اهمیت این تعهدات موجب رفع هرگونه تردید در خصوص شمول مواد حاضر بر نقض آن تعهدات نیز هستند. هدف از نحوه عبارت پردازی ماده ۲ این بوده که ماده مذکور در برگیرنده تمام تعهداتی باشد که امکان دارد از قواعد سازمان‌های بین‌المللی ناشی شوند.

شاید این پرسش پیش بیاید که آیا همه تعهدات ناشی از قواعد سازمان‌های بین‌المللی تعهد بین‌المللی محسوب می‌شوند. در جواب باید گفت، ماهیت حقوقی قواعد سازمان تا حدودی بحث برانگیز است. در این راستا، اکثریت بر این باورند، قواعد سازمان‌های مبتنی بر یک معاهده بخشی از قواعد حقوق بین‌الملل هستند (M. Declewa, 1969, 1). از طرفی، عده‌ای دیگر نیز بر این باورند، گرچه سازمان‌های بین‌المللی بر اساس معاهدات یا دیگر اسناد مبتنی بر حقوق بین‌الملل تأسیس می‌شوند، ولی با این حال به محض تولد یک سازمان دیگر نمی‌توان حقوق داخلی آن را به عنوان قسمتی از حقوق بین‌الملل تلقی کرد. طبق نظر دیگری که در رویه از آن حمایت شده، سازمان‌هایی که به حد اعلائی انسجام می‌رسند مواردی خاص هستند. طبق نظر دیگر، بر اساس منبع و موضوع قواعد یک سازمان بین آنها قایل به تفکیک می‌شوند و به عنوان مثال، برخی از قواعد اداری سازمان را بخشی از قواعد حقوق بین‌الملل نمی‌دانند.

۴-۱ اقدام متقابل به عنوان یکی از عوامل رافع معاذیر وصف متخلفانه عمل متخلفانه

بین‌المللی

۴-۱-۱ رضایت

به طور کلی می‌توان گفت رضایت در حقوق بین‌الملل در دو جا کاربرد دارد. نخست آنجاست که به عنوان یکی از مبانی اعتبار عمل حقوقی عمل می‌کند (فلسفی، ۱۳۸۳، ۲۴۸) و دوم آنجاست که به عنوان یکی از معاذیر رافع وصف متخلفانه عمل متخلفانه بین‌المللی، وصف متخلفانه عمل را زایل و در نتیجه مانعی برای تحقق مسئولیت می‌شود. نیک پیداست که بحث پیرامون کاربرد نخست، به حوزه اعمال حقوقی و بحث در خصوص کاربرد دوم به حوزه حقوق مسئولیت بین‌المللی اعم از مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کند. در این راستا کمیسیون حقوق بین‌الملل مواد ۲۰ طرح مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌ها را به بررسی اثر این عامل بر عمل متخلفانه بین‌المللی اختصاص داده و در شرح و تفسیر هر دو ماده به طور کامل به بحث پیرامون آن پرداخته است.

رضایت یک دولت نسبت به ورود کمیسیون تحقیق ایجاد شده توسط شورای امنیت سازمان ملل به خاک آن کشوریکی از مصادیق رضایتی است که رفتار یک سازمان را قانونی می‌نماید. (General Assembly, 1991, 69) یکی دیگر از مصادیق چنین رضایتی، رضایت یک کشور نسبت به تأیید صحت انتخابات انجام شده در آن کشور توسط یک سازمان است.

با توجه به شرح و تفسیر ماده ۲۰ هر دو طرح به نظر می‌رسد، چند نکته را می‌بایست در مورد رضایت مد نظر قرار داد که به قرار زیر هستند: نخست، شرایطی که با جمع بودن آنها رضایت می‌تواند وصف متخلفانه عمل متخلفانه بین‌المللی را از آن بزدايد (معتبر بودن رضایت و انجام گرفتن عمل در چارچوب رضایت)، دوم، زمان اعلام رضایت (قبل از ارتکاب عمل خلاف، حین عمل خلاف و بعد از انجام عمل خلاف)، سوم، اشکال رضایت (صریح و ضمنی). چهارم، عام یا خاص بودن رضایت.

زایل شدن وصف متخلفانه یک عمل متخلفانه به واسطه رضایت مستلزم جمع بودن دو شرط است. نخست آنکه رضایت ابراز شده رضایتی معتبر باشد و دوم آنکه عمل انجام شده در چارچوب رضایت بوده و خارج از آن نباشد. (Commentaries on the Draft, 2001, 173) به عبارت دیگر هرگاه رضایت معتبر نباشد یا اینکه عمل از چارچوب رضایت خارج شود دیگر وصف متخلفانه عمل متخلفانه بین‌المللی از بین نرفته و از این رو مسئولیت محقق خواهد شد.

در خصوص شرط اول یعنی معتبر بودن رضایت باید گفت، منظور از معتبر بودن رضایت آن است که رضایت می‌بایست با توجه به شرایط اعتبار رضایت در حوزه اعمال حقوقی انجام گرفته و مقام ابراز کننده رضایت نیز صالح برای این امر باشد.

در مورد شرط دوم نیز باید گفت، بر اساس ماده ۲۰ هر دو طرح، عمل انجام گرفته باید در حدود رضایت باشد تا وصف متخلفانه آن زایل، وگرنه رضایت باعث زایل شدن وصف متخلفانه عمل نخواهد بود. برای

مثال اگر کشور الف رضایت دهد که هواپیماهای تجاری کشور ب بر فراز سرزمین آن پرواز نمایند ولی کشور ب هواپیماهای نظامی خود را نیز بر فراز سرزمین کشور الف به پرواز در آورد، از حدود رضایت فرا تر رفته و بنابراین، وصف متخلفانه عمل او زایل نمی‌شود.

دوم، زمان اعلام رضایت. در این راستا باید گفت رضایت مبنی بر زایل نمودن وصف متخلفانه یک عمل متخلفانه بین‌المللی را می‌توان بر اساس زمان ابراز آن به سه دسته طبقه‌بندی نمود که هر یک از آنها آثار حقوقی خاص خود را بر جای می‌گذارند. بر این اساس رضایت را می‌توان در سه برهه زمانی یعنی قبل از انجام عمل متخلفانه بین‌المللی حین و یا بعد از ارتکاب آن ابراز نمود. پر واضح است که رضایت قبل یا حین ارتکاب عمل موجب از میان رفتن وصف متخلفانه آن ولی رضایتی که بعد از ارتکاب عمل ابراز می‌شود دارای اثر متفاوت از این دو یعنی از میان رفتن حق استناد به مسئولیت است، چرا که در این زمان مسئولیت محقق شده و رضایت به ارتکاب یک عمل خلاف در این زمان به منزله سکوت حاکی از رضایت و یا اسقاط حق استناد به مسئولیت خواهد بود. ناگفته نماند که این امر در ماده ۴۵ طرح دولت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. (Ibid, p. 175)

۲-۴-۱ دفاع مشروع

هانطور که قبل از این اشاره شد، دفاع مشروع در واکنش به توسل به زور غیر قانونی انجام می‌شود. لیکن باید دید آیا می‌توان در صورت نقض دیگر تعهدات نیز دست به دفاع مشروع زد یا خیر. به عبارت دیگر، اگر دفاع مشروع در واکنش به نقض تعهدات به غیر از تعهد به توسل به زور نیز انجام شود باز هم می‌تواند رافع وصف عمل متخلفانه باشد یا خیر.^۴ در پاسخ باید گفت، دفاع مشروع می‌تواند توجیه‌کننده نقض برخی دیگر از تعهدات به غیر از تعهد مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد باشد، مشروط بر آنکه آن تعهدات با تعهد مندرج در مقرر مزبور مرتبط باشند. به عبارت دیگر، اگر کشوری مقرر مزبور را نقض و کشور دیگر در مقام واکنش به آن، اعلان «جنگ» می‌کند، معاهدات بین آنها به حالت تعلیق در می‌آید (McNair, 1966, 579). لیکن، با تصویب منشور سازمان ملل و ممنوعیت جنگ این امکان وجود داشت که دو کشور به لحاظ رسمی در حالت جنگ نباشند ولی بین آنها «مخاصمه» یا درگیری مسلحانه‌ای^۵ با استفاده از عنوان دفاع مشروع در جریان باشد. در این زمینه باید یاد آور شد که ماده ۷۳ عهدنامه حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین ناظر بر چنین وضعیتی بوده و در این باره مقرر نموده که عهدنامه به آثار درگیری‌های مسلحانه بر معاهدات نمی‌پردازد.

۴. در اینجا منظور از متخلفانه بودن عمل آن است که دفاع مشروع در حقیقت خود نوعی توسل به زور است که به موجب حقوق بین‌الملل ممنوع شده است. لذا آنچه که دفاع مشروع را قانونی جلوه می‌دهد، جمع بودن شرایطی است که قبلاً بدان‌ها اشاره شد و الا خارج از آن چارچوب خود این اقدام فی نفسه و به طور انتزاعی در حقیقت نقض مقررات حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

۵. مخاصمه مسلحانه زمانی محقق می‌شود که دلت‌ها به نیروهای نظامی متوسل شوند یا اینکه بر خوردهای طولانی نظامی طولانی مدتی بین نیروهای دولتی یک کشور از یک سو و گروه‌های سازمان یافته از سوی دیگر و یا بین چنین گروه‌هایی در سرزمین یک کشور اتفاق افتد.

گذشته از تأثیر مخاصمات مسلحانه بر معاهدات، به نظر می‌رسد دفاع مشروع نتواند در همه موارد و باعث از بین رفتن وصف متخلفانه عمل متخلفانه بین المللی ناشی از نقض همه نوع تعهدی شود. (Commentaries on the Draft, 2001, 3) برای مثال، تعهدات ناشی از حقوق بشر و بشر دوستانه جزو چنین تعهداتی هستند. در این خصوص باید گفت، «کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مورخ ۱۹۴۹»^۶ و «پروتکل لول الحاقی مورخ ۱۹۷۷» بر کلیه طرف‌های یک مخاصمه اعمال و غیر قابل تعلیق است. گذشته از این، مقررات مندرج در این اسناد جزو مققرات حقوق بین الملل عرفی هستند که همواره طی مخاصمات مسلحانه قابلیت اعمال دارند (Legality, 257, 79). از طرفی در مورد حقوق بشر نیز باید گفت، تعهدات حقوق بشری از لحاظ قابل اعمال بودن در یک مخاصمه مسلحانه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. نخست آن دسته‌ای که در مواقع بحرانی از قبیل موارد مربوط به دفاع مشروع قابل تخطی هستند که در این صورت نقض آنها در اثر اعمال انجام گرفته در راستای دفاع مشروع لزوماً منجر به زدوده شدن وصف متخلفانه اعمال ناقض آنها خواهد شد. اما در مقابل برخی دیگر غیر قابل تخطی بوده و همواره لازم الرعایه می‌باشند. از این رو دفاع مشروع نمی‌تواند وصف متخلفانه اعمال ناقض چنین تعهداتی را از آنها بزدايد.

در مجموع شاید بتوان به این نتیجه رسید که توجه پذیر بودن عدم ایفای یک تعهد به واسطه دفاع مشروع به ماهیت و محتوای آن تعهد بستگی دارد. به عبارت دیگر اگر تعهد به طور صریح یا ضمنی متضمن اعمال شدن در زمان مخاصمات مسلحانه باشد دیگر نمی‌توان عدم ایفای آن را با توسل به دفاع مشروع توجیح نمود (Environmental, 2003, 151). از طرف دیگر وجود برخی از تعهدات از قبیل تعهدات زیست محیطی مانع از اعمال حق دفاع مشروع نیست، لیکن به هنگام اعمال این حق باید دوشرط ضرورت و تناسب رعایت شوند (Reports 1996, p. 226, at).

۴-۱-۳ واکنش‌های صورت گرفته علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران

ارائه تفسیرهای گوناگون از حقوق و تعهدات ناشی از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، یکی از مسائل مهم و مورد مناقشه حقوق بین الملل هسته‌ای است. وجود نقاط ضعف فراوان در این معاهده از جمله درج عبارات کلی و مبهم، نامشخص بودن مکانیزم حل اختلافات و نداشتن توازن میان حقوق و تعهدات کشورها موجب شده تا قدرت‌های هسته‌ای قادر باشند با تفسیر دلخواه، دامنه حقوق و تعهدات ناشی از معاهده را به نفع خود تعریف کنند و بر این اساس رفتارها و واکنش‌های غیر قانونی را در پیش

۶. این کنوانسیون‌ها عبارت‌اند از:

۱. کنوانسیون راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردوکنی

۲. کنوانسیون راجع به بهبود سرنوشت مجروحین، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا

۳. کنوانسیون راجع به رفتار با اسیران جنگی

۴. کنوانسیون راجع به حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ.

گیرند. در این راستا، قدرت‌های هسته‌ای با تفکیک میان «فعالیت‌های هسته‌ای حساس و غیرحساس» و تعقیب سیاست «غنی‌سازی صفر» در صدد نفی حقوق کشورها هستند (حسن بیگی و حسینی، ۱۳۹۳، ۷۵). به دلیل تسهیل امر مطالعه واکنش‌های صورت گرفته علیه فعالیت‌ها و برنامه‌های هسته‌ای ایران، واکنش‌های مزبور در دو قسمت عمده واکنش‌های انجام گرفته در چارچوب سازمان ملل متحد و خارج از آن مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر اینکه، اقدامات انجام گرفته در چارچوب سازمان ملل متحد شامل آن دسته از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان مزبور است که در واکنش به فعالیت‌های هسته‌ای ایران اتخاذ شده‌اند. در مقابل اقدامات خارج از چارچوب سازمان ملل به شامل اقداماتی است که برخی از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران اتخاذ نموده‌اند. در این میان اقدامات اتحادیه اروپا به دلیل اهمیت آن به عنوان محور بحث و اقدامات ایالات متحده آمریکا بنا به دیگر ملاحظات بیشتر از سایر اقدامات مورد توجه نوشتار حاضر هستند.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱ بررسی روابط سیاسی-امنیتی میان ایران و اتحادیه اروپا

روابط اتحادیه اروپا و ایران با فراز و فرودهای بسیار همراه بوده است. اتحادیه اروپا از زمان تاسیس خود به دلیل موضع یکجانبه و یا موضع جمعی اعضای این اتحادیه نتوانسته ارتباط سازنده و مثبتی که باید میان این اتحادیه با جمهوری اسلامی ایران وجود داشته باشد را به خود ببیند. در روابط فی مابین بین اروپا و جمهوری اسلامی ایران، حوادث تاریخی و تجربیات تاریخی، باعث شده است تا هر دو طرف برای توسعه همکاری‌های امنیتی و سیاسی محتاطانه عمل کنند و حاکم بودن فضای تردید و سوءظن نسبت به یکدیگر مانع گسترش و تعمیق این همکاری‌ها گردیده است (زاهدی و امینی، ۱۳۹۵، ۳۹). روابط ایران با کشورهای اروپایی سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، اما شاهد فراز و فرودهای زیادی نیز بوده است. اگر از تغییرات اندیشه حاکم بر ایران بر اثر انقلاب اسلامی بگذریم که یکی از دلایل اصلی افت و خیزهای روابط ایران و اروپا است، تغییر سطح ساختار سیاست خارجی کشورهای اروپایی بر اثر ایجاد سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا بر اساس پیمان ماستریخت را می‌توان عاملی اساسی برای وجود مشکلات کشورهای اروپایی در ایجاد ارتباط با ایران دانست. در شرایط جدید، چگونگی تأمین منافع ملی ایران تا حد زیادی نیازمند شناخت ساختار و نحوه کارکرد سیاست خارجی مشترک اتحادیه اروپا می‌باشد (توحیدفام و حضوری طریقه، ۱۳۹۰، ۲۶۱).

از سوی دیگر می‌توان اظهار داشت، متغیرهایی همچون نفوذ و فشار ایالات متحده آمریکا و عدم هماهنگی در مواضع اعضای اتحادیه اروپا نسبت به ایران، و همچنین عدم ذهنیت مثبت ایران نسبت به بعضی از کشورهای قدرتمند اتحادیه اروپا که سابقه استعمارگری، اشغال و مداخله در امور داخلی

ایران را در برهه‌های تاریخی و زمانی مختلف در عملکردشان نسبت به ایران را دارند، یک مانع مهم در پیگیری این همکاری‌ها به شمار می‌آیند (زاهدی و امینی، ۱۳۹۵، ۳۹).

نقطه‌ی برجسته توسعه همکاری‌های امنیتی و سیاسی اتحادیه اروپا با ایران به دوران ریاست جمهوری حجت‌السلام و المسلمین آقای خاتمی باز می‌گردد، که در آن دوران به واسطه‌ی سیاست خارجی تعاملی دولت وقت با اتحادیه اروپا، توسعه‌ی همکاری‌های سیاسی، سایر حوزه‌های اقتصادی و امنیتی را تحت تاثیر خود قرار داده بود. اما این روند با وقوع حادثه‌ی یازده سپتامبر و نامیده شدن و قرار گرفتن نام ایران به عنوان محور شرارت از سوی بوش پسر و همچنین اتحادیه اروپا تحت تاثیر فشارهای آمریکا و تقدم رابطه با آمریکا نسبت به رابطه با ایران، در روابطشان با جمهوری اسلامی ایران از سیاست‌های آمریکا پیروی می‌کردند (همان منبع).

از سوی دیگر، با پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری، روابط ایران با اتحادیه اروپا دچار تغییرات بنیادین شد. یکی از تغییرات عمده‌ای که در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره به وقوع پیوست، تجدیدنظر آن در روابط با کشورهای غربی از یک‌سو و گرایش به دیگر مناطق جغرافیایی نظیر آمریکای لاتین، کشورهای شرقی در قاره‌ی آسیا و کشورهای آفریقایی بود. نکته‌ی حائز اهمیت آنکه، این اولویت‌بندی جدید از مناطق جغرافیایی، حاصل سرایت دادن ارزش‌های هنجاری به سیاست خارجی و بر خلاف گرایش منفعت محور به غرب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. عدالت طلبی و سلطه‌ستیزی دو هنجاری بود که جابجایی اولویت‌های جغرافیایی جهت بسط روابط خارجی را در دولت دهم فراهم آورده بود. پس از روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد و در دستور کار قرار گرفتن سیاست خارجی تهاجمی در موضوعات مختلفی از جمله اسرائیل و موضوع هسته‌ای، روابط ایران و اتحادیه اروپا با تنش‌های مختلفی روبرو شد (نجات‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۶).

اتحادیه اروپا که تا سال ۲۰۱۰ از اعمال تدابیر تنبیهی فراتر از قطعنامه‌های شورای امنیت خودداری می‌کرد، در طی سال‌های پس از آن (و قبل از تصویب برجام) تحریم‌های جامعی را علیه بخش انرژی و مالی ایران اعمال کرده است. می‌توان گفت اتحادیه اروپا در طی این سال‌ها خصوص اتخاذ رویکردهای تنبیهی علیه ایران تردید داشت؛ چراکه این باور وجود داشت که تحریم‌های اقتصادی ابزاری خطرناک است و می‌تواند به منافع اتحادیه اروپا هم در بعد اقتصادی و هم در بعد دیپلماتیک آسیب وارد کند. اما با تشدید فشار آمریکا، وزرای اتحادیه اروپا ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ مجموعه‌ای از تحریم‌های نفتی را به تصویب رساندند. این تصمیم به نوعی یک چرخش کیفی در سیاست‌های اتحادیه اروپا محسوب می‌شود؛ چراکه در آن زمان تانه برخی تصور می‌کردند که اتحادیه اروپا به درخواست‌های آمریکا برای تحریم واردات نفت از ایران پاسخ مثبت دهد (همان منبع).

افزایش تنش میان بر سر موضوع هسته‌ای ایران و غرب منجر به اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی از سوی غرب بر ایران شد. افزایش تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن موجب شد تا موضوع

هسته‌ای در جریان انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۹۲ به جدالی گفتمانی تبدیل شود (عابدینی و ایزدی، ۱۳۹۶، ۲۷۴). با روی کار آمدن روحانی در سال ۱۳۹۲، اراده‌ی دولت بر کاهش و لغو تحریم‌های غرب از طریق مذاکره و تعامل سازنده استوار گردید.

روحانی توانست بر مبنای این محور که جمهوری اسلامی به هدف کلیدی خود یعنی بازدارندگی بدون زیر پا گذاشتن تعهداتش رسیده است، زمینه اجماع و همراه ساختن همه‌ی نهادهای کلیدی نظام را در پشتیبانی از مذاکرات هسته‌ای با شش قدرت جهانی فراهم آورد. هنر روحانی متقاعد کردن ساختار داخلی برای حل بحران بر پایه‌ی رویکرد برد-برد بدون انحراف از اصول انقلاب اسلامی بود. او باید راهبردهایی را برای تصمیم‌گیری اتخاذ می‌کرد که برای دستیابی به بالاترین سود و پایین‌ترین هزینه هموار کننده راه باشند. الگوهای شهودی چندوجهی و گروه کوچک از جمله این راهبردها بود که باعث اطمینان‌پذیری و کاهش احتمال خطر تصمیمات شد (احمدی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۹۶).

۲-۲ پیشینه پژوهش

کریمی (۱۳۹۶) نشان داد که به طور کلی اثر دو موضوع بر تحریم به خوبی بررسی نشده است: اولاً امکان اقدام متقابل کشور تحریم شونده و ثانياً حضور کشورهای رقیب برای کشورهای تحریم شونده. وی در این پژوهش، برای پرداختن به این دو نقص از نظریه بازی‌ها استفاده نموده است. همچنین در این پژوهش شش بازی مورد مطالعه قرار گرفته است که در تعداد مراحل، چگونگی محاسبه مطلوبیت‌ها و حضور یک‌ک کشور رقیب با یکدیگر متفاوتند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد امکان اقدام متقابل، این فرصت را به کشور تحریم شونده می‌دهد که محاسبات کشور تحریم کننده را تغییر دهد. چنین امکانی احتمال وقوع تحریم را کاهش می‌دهد. با این حال، حضور یک کشور رقیب این فرصت را خنثی می‌کند و وضع تحریم را برای کشور فرستنده ساده‌تر می‌کند.

زاهدی و امینی (۱۳۹۵) نشان دادند اتحادیه اروپا به دلیل همجوار بودن با منطقه‌ی ناامن خاورمیانه، به شدت از بحران‌های به وجود آمده در این منطقه، مورد تهدید واقع می‌گردد و این مساله موجب گردیده تا کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا خود مستقیماً برای غلبه بر بحران‌ها وارد بشوند و یا اینکه با کشورهای قدرتمند منطقه همکاری‌های امنیتی خود را برای فائق آمدن بر این بحران‌ها توسعه بخشند. بعد از برجام، اعضای اتحادیه اروپا تمایل بیشتری به افزایش سطح همکاری‌های فی مابین در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و انرژی از خود نشان داده‌اند و اینکه برجام باعث بهبود مناسبات امنیتی اتحادیه اروپا با ایران خواهد شد.

ابراهیمی (۱۳۹۵) نشان داد برخورد غرب با موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران برخوردی حقوقی نیست و غرب به دنبال دستیابی به اهداف سیاسی خود از طریق فشار بر ایران است. ارجاع موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران به شورای امنیت برخلاف نص صریح ماده ۴۱ فصل ۴۰، اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی

اتمی صورت پذیرفته و استناد شورای امنیت به مواد ۳۹ هفتم منشور سازمان ملل برای تحریم ایران نیز غیرقانونی بوده و نه فقط با روح قانون بلکه با مفاد اصل هفتم نیز در تناقض است. زیرا استناد به فصل هفتم منشور سازمان ملل فقط هنگامی است که اقدام یک کشور عضو جامعه بین المللی، صلح جهانی یا منطقه‌ای را به خطر انداخته باشد و پرونده هسته‌ای ایران فقط هنگامی می‌تواند موضوع این فصل باشد که اولاً: ثابت شود که ایران در پی تولید سلاح اتمی است و ثانیاً؛ با سلاح هسته‌ای خود کشورهای دیگر را تهدید به حمله اتمی کرده باشد. حال آن که مطابق گزارش‌های بازرسان آژانس هیچ نشانه‌ای حاکی از تلاش ایران برای انحراف از فعالیت صلح آمیز به سوی تولید سلاح هسته‌ای به دست نیامده است و اعلام نظر شورای حکام آژانس تنها با استناد به گزارش بازرسان معتبر خواهد بود و از سوی دیگر تصمیم شورای امنیت سازمان ملل باید مستند به گزارش شورای حکام باشد و از آنجا که در گزارش بازرسان و گزارش سوم اسفندماه ۸۶ مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی هیچ اشاره‌ای به انحراف در فعالیت هسته‌ای ایران وجود ندارد و همکاری کامل ایران با بازرسان آژانس صورت گرفته، ارسال پرونده به شورای امنیت و استناد این شورا به فصل هفتم کمترین و جاهد قانونی و حقوقی ندارد.

سادات میدانی (۱۳۹۵) نشان داد تفسیر و قضاوت راجع به دو مقوله‌ی "نگرانی‌های بین المللی" و "تعهدات بین المللی" مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای ایران، از جمله امور اختلافی بوده که طرف‌های درگیر و ذی نفع، مواضع و دیدگاه‌های متعارض و خاص خود را از منظر حقوقی دارند. در حالی که مساله‌ی اول، ماهیتا امری ذهنی است و احراز و انکار آن، تابعی از متغیرهای غیر ملموس عمدتاً سیاسی-امنیتی است، مساله دوم اساساً مقوله‌ای عینی است که می‌توان با در نظر داشتن حقوق بین الملل قابل اعمال و حقایق اثبات شده، در مورد آن قضاوت کرد. همواره طرف‌های مقابل ایران با اشاره به "نگرانی‌های مشروع جامعه بین المللی"، پایبندی ایران به "تعهدات بین المللی" اش را خواستار شده‌اند. در مواضع ابراز شده، طرف‌های مقابل ایران بدون شکافتن مبانی استدلالی، به طور کلی ضمن تأکید بر مسئولیت‌های خود در تضمین اجرای تعهدات بین المللی ایران، بر ضرورت پایبندی به الزامات بین المللی اشاره می‌کنند. در مقابل ایران ضمن اعلام آمادگی به منظور تعامل در جهت رفع نگرانی‌ها و اتخاذ داوطلبانه‌ی اقدامات اعتمادساز، همواره بر این اعتقاد بوده است که در عین التزام به "تکالیف بین المللی"، بر "استیفای" کامل "حقوق بین المللی خود، وفق معاهده‌ی عدم اشاعه‌ی هسته‌ای" مصر است. در میان مجموعه‌ای از ادعاهای حقوقی، محقق در این پژوهش برخی از اختلافات حقوقی عمده میان ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی به عنوان سازمان بین المللی تخصصی را از منظر حقوق بین الملل معاهدات مورد واکاوی قرار داده است. همچنین در این تحقیق نشان داده شد، علیرغم اینکه ایران همواره موضوع پرونده‌ی هسته‌ای را واجد جنبه‌های فنی و حقوقی می‌دانسته، کمتر شده است که برای حل موضوع به شیوه‌هایی از این قبیل متوسل شود. از جمله می‌توان به توسل به مراجع داوری و قضایی ذی صلاح اشاره داشت.

ذوالفقاری و جعفری (۱۳۹۴) نشان دادند در حالی که از منظر اعلانی، تهران منطق سیاسی هسته‌ای خود را با پارادایم هنجاری و همسازی با رژیم بین‌المللی تشریح می‌نماید، از منظر اعمالی با پارادایم امنیتی و ژئوپلیتیک منازعه‌گرای منطقه‌ای تفسیر می‌کند. همچنین، منطق سیاسی غرب در سطح اعلانی با پارادایم امنیت، تهدید و تولید بازدارندگی و در سطح اعلانی با الگوی هنجاری و رژیم بین‌المللی و محدودیت حداکثری برای ایران و جلوگیری از ظهور بازیگران هسته‌ای جدید خوانش پیدا می‌کند. از سوی دیگر، در حالی که ایران سیاست‌های هسته‌ای را در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تولید بازدارندگی تبیین می‌نماید، غرب سیاست‌های هسته‌ای تهران را در سطح بین‌المللی و به عنوان نظم ریز بین‌المللی تلقی می‌نماید.

حسن بیگی و حسینی (۱۳۹۳) نشان دادند که دستیابی به حقوق هسته‌ای به‌ویژه «حق غنی‌سازی» به عنوان «حق لاینفک و ذاتی» ملت ایران و در سازگاری کامل با موازین حقوق بین‌الملل هسته‌ای است. نتیجه این تحقیق گویای این واقعیت است که به رسمیت شناختن «حق غنی‌سازی» علاوه بر تأمین منافع ملی، به توسعه حقوق بین‌الملل، علی‌الخصوص در حوزه تفسیر معاهدات و ایجاد رویه بین‌المللی کمک می‌کند.

باقری چوگامی و محمدی الموتی (۱۳۹۳) نشان داد از آغاز چالش پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و با وجود شفاف‌سازی و اعتمادسازی‌های مکرر ایران و پیروی از تمامی قوانین حقوقی، ابهام و اقدام آمریکا و متحدان آن علیه ایران افزایش یافته است. یافته‌های این پژوهش نشان دادموضوع نگرانی غرب از دستیابی ایران به سلاح اتمی با واقعیت همخوانی ندارد، بلکه ناشی از ماهیت انقلاب اسلامی است.

۳. شرایط شکلی توسل به اقدامات متقابل اتحادیه اروپا در برنامه هسته‌ای ایران

۱-۳ درخواست توقف عمل متخلفانه بین‌المللی و جبران خسارت

رویه محاکم دآوری و دادگستری بین‌المللی (Gabcikovo-Nagymaros Project, 1997, 7) موبد این است که دولت زیان دیده می‌بایست قبل از توسل به اقدامات متقابل، اقدام به درخواست توقف عمل خلاف و جبران خسارت از دولت مسئول نماید. از این گذشته کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در راستای تدوین حقوق اقدامات متقابل، در قسمت الف بند ۱ از ماده ۵۲ از طرح مسئولیت دولت‌ها و اخیراً در طرح مسئولیت سازمان‌ها این شرط شکلی را به عنوان یکی از شرایط شکلی توسل به اقدامات متقابل پذیرفته است. به دین توضیح که کمیسیون بند اول از ماده ۵۲ طرح دولت‌ها و بند اول ماده ۵۵ طرح سازمان‌ها را به چنین شرطی اختصاص داده است.

هدف از چنین مقرره‌ای آن است تا دولت مسئول فرصت تجدید نظر در خصوص اقدامات خود را به دست آورد. با چنین درخواستی دوحالت به وجود خواهد آمد. حالت اول اینکه دولت مسئول به این درخواست ترتیب اثر می‌دهد یا اینکه نسبت به آن بی‌تفاوت بوده با به نحو مقتضی عمل نخواهد نمود. در صورتی که حالت نخست پیش آید، دولت مسئول یا اقدام به توجیه اقدامات خود خواهد کرد که ادعای متخلفانه بودن

آنها مطرح است یا اینکه اقدام به جبران خسارت خواهد نمود. بدین سان، چنین شرطی با عث می‌شود تا هم دولت مسئول و هم دولتی که قصد انجام اقدام متقابل را داد، قبل از مبادرت به هر اقدامی مسائل و اختلافات بین خود را شناسایی و با روش معقولی اقدام به برطرف نمودن آنها نمایند. اما در صورت پیش آمدن حالت دوم، یعنی عدم توجه مقتضی دولت مسئول به درخواست جبران خسارت، یکی از موانع توسل به اقدامات متقابل از میان برداشته خواهد شد.

در خصوص اقدامات اتحادیه اروپا باید گفت، اولاً همانطور که گفته شد اتحادیه اروپا از برنامه هسته‌ای ایران متضرر نشده و از طرفی حتی با فرض اینکه این سازمان به واسطه اقدامات اتحادیه اروپا متضرر شده باشد در خواست جبران خسارت ننموده است.

۲-۳ اطلاع و پیشنهاد مذاکره

طبق قسمت ب بند ۱ ماده ۵۲ طرح مسئولیت دولت‌ها دولت زیان دیده می‌بایست قبل از توسل به اقدامات متقابل، دولت مسئول را از قصد خود مبنی بر چنین اقداماتی آگاه و به آن دولت پیشنهاد مذاکره نماید. اگر دولت زیان دیده بدون اطلاع دولت مسئول مبادرت به اتخاذ چنین اقداماتی بنماید، آنگاه این احتمال وجود دارد که دولت مسئول اقدامات دولت زیان‌دیده را غیر قانونی تلقی و در واکنش به آن، خود دست به اقدامات متقابل زند. که این امر به طور حتم باعث وخیم تر شدن اختلاف خواهد شد. از این رو دولت زیان‌دیده به خاطر اجتناب از وخیم تر شدن اختلاف می‌بایست قبل از توسل به اقدامات متقابل، به دولت مسئول اطلاع دهد که به خاطر تضمین حقوق مشروع خود و بدون از بین بردن امکان حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف قصد توسل به اقدامات متقابل را دارد. از این رو می‌توان بر این اغدعا بود که فلسفه اطلاع دادن به دولت مسئول، جلوگیری از وخیم تر شدن اختلاف است.

در خصوص نحوه و شکل اطلاع دادن نیز باید گفت، لازم نیست که عمل اطلاع دان به روش یا شکل خاصی انجام گیرد. علاوه براین، نیازی نیست که دولت زیان‌دیده، دولت مسئول را از محتوی و زمان اقدامات خود آگاه کند. البته نباید از نظر دور داشت که عمل اطلاع نباید به عنوان ضرب العجل مورد استفاده قرار گیرد، بلکه این عمل در واقع باید به منزله ابزاری برای اجبار دولت مسئول نسبت به توقف عمل خلاف و همکاری در حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف باشد.

۲-۳ اتحادیه اروپا بعد از خروج آمریکا از برجام

تحولات مربوط به برجام بعد از خروج دولت آمریکا از برجام با سرعت و البته پیچیدگی بیشتری در حال انجام است. «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا، از زمان ورود به رقابت‌های انتخاباتی این کشور در مناسبت‌های مختلف از توافق هسته‌ای ایران به عنوان یک توافق بد یا «یک توافق ناقص» یاد کرده و پس از ورود به کاخ سفید نیز به شکل‌های مختلف کوشیده است تا با التهاب آفرینی پیرامون این توافق، ایران را

از منافع آن محروم کند. دی ماه ۹۶ ترامپ بار دیگر تعلیق تحریم های هسته‌ای را تمدید کرد؛ اما گفت: «این آخرین بار است که تمدید می‌کند مگر این که مذاکرات درباره برنامه ی موشکی ایران آغاز شود و محدودیت‌های هسته‌ای ایران که قرار بود ده سال باشد، دائمی شود!» اظهارات او طی ماه‌های گذشته و همچنین گمانه زنی رسانه‌ها و مقامات سیاسی آمریکا و تحلیل گران بین المللی، همگی بیانگر این بود که او دیگر در چهارمین گزارش خود به کنگره (۱۲ ماه می، ۲۲ اردیبهشت ۹۷) دیگر معافیت‌های تحریمی ایران را تمدید نخواهد کرد و به عبارت دیگر از برجام خارج خواهد شد. البته ترامپ در گزارش‌های قبلی خود نیز آشکارا نشان داد که برای رهایی از تعهدات آمریکا در قبال برجام تمایلی به اجرایی کردن برجام ندارد و تنها خواهان سخت‌تر شدن شرایط آن برای ایران است؛ همچنان که در گزارش اول و دوم خود نیز پس از کش و قوس‌های فراوان و زیر سوال بردن برجام، اقدام به تایید آن کرد. سرانجام پیش‌بینی‌ها محقق شد و ترامپ سه شنبه هشتم ماه می برابر با ۱۸ اردیبهشت رسماً از برجام خارج شد. از طرف دیگر اروپایی‌ها تا پیش از این در تلاش بودند تا با رفع آن چه نگرانی‌های ترامپ درباره برجام می‌شود، توافق هسته‌ای ایران را از خطر فروپاشی حفظ کنند و در واقع آن را پایه‌ای برای فشارهای بعدی قرار دهند اما با خروج آمریکا از برجام مسئولین ارشد فرانسه، انگلیس و آلمان همگی در مصاحبه‌هایی جداگانه خواستار خویشتن‌داری ایران شدند؟

با این وجود، حال که ترامپ با اعلام رسمی خود، از برجام خارج شده آیا کشورهای اروپایی طبق ادعای خود می‌توانند منافع اقتصادی ایران از برجام را در برابر تحریم های آمریکا تضمین کنند (مومنی، ۱۳۹۷، ۱۸۰).

در این میان شاید دو اتفاق مهم را به طور موازی بتوان در میان اخبار و اطلاعات موجود در چند ماهه اخیر رصد کرد که هر کدام دارای تحلیل خاص خود می‌باشد: یکی تهدیدهای مدام ترامپ درباره خروج از برجام و دیگری شروع مذاکرات ایران با برخی کشورهای اروپایی، هرچند مسئولان دولتی اصرار دارند مذاکرات را گفتگوهای عادی و ماهیتا اروپایی جلوه دهند؛ ولی این در حالی است که مقامات واشنگتن به سه کشور انگلیس، فرانسه و آلمان ماموریت داده‌اند تا از جانب آنها، خواسته‌های منطقه‌ای آمریکا را از طرف ایرانی درخواست کنند. به عقیده‌ی تحلیل‌گران سیاسی، آمریکا با به کارگیری سیاست «هویج و چماق» و با میانجی‌گری کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه در صدد است تا ایران را مجبور به مذاکره‌ی مجدد پیرامون برجام کند، البته این فشار تاکنون با مقاومت ایران برخورد کرده و رد شده است. مذاکره‌ای که حدس زدن نتیجه‌ی آن کار دشواری نیست؛ آمریکا می‌خواهد با تهدید برگرداندن تحریم‌ها، وضعیت جدید خود را به طرف مقابل؛ یعنی ایران تحمیل کند، وضعیتی که از جمله مهم‌ترین آن مذاکره پیرامون موشک‌های بالستیک ایران می‌باشد و از سوی دیگر جلوی زمینه‌های استفاده ایران از گشایش‌های اقتصادی برجام را با ایجاد جو ناامنی سد نماید. از همین رو «ژان ایو لودریان»، وزیر خارجه فرانسه، طی سفری که پانزدهم اسفندماه به ایران داشت حامل همین پیام بود. وزیر خارجه فرانسه در حالی به نمایندگی

از آمریکا برای طرح ادعاهای موشکی و منطقه‌ای به ایران سفر کرده بود که حسن روحانی، رئیس جمهور ایران، مدتی پیش با اشاره به بدعهدی‌های آمریکا گفته بود: «مگر کسی دیوانه است که با آمریکا مذاکره کند!» لودریان پیش از سفر به تهران نیز در اظهارنظری گستاخانه گفت: ایران باید به نگرانی‌ها درباره برنامه‌ی موشکی خود توجه نشان دهد یا این که با تحریم‌های احتمالی مواجه خواهد شد. وزیر امور خارجه‌ی فرانسه موشک‌های دوربرد ایران را ناسازگار با قطعنامه‌های شورای امنیت و هم‌چنین فراتر از نیازهای ایران برای دفاع از مرزهایش خواند (همان، ۱۸۰).

در هر صورت حقوق بین الملل، فی نفسه در تامین اهداف سیاست خارجی کشورها اصالت ندارد، بلکه ابزاری برای رسیدن به منافع ملی است. ارزیابی جریان‌شناسی حقوقی رسیدگی به برنامه‌ی هسته‌ای ایران، خواه درون آژانس بین المللی انرژی اتمی و خواه خارج از آن، نشان‌گر آن است که طرف‌های مقابل در رسیدگی و واکنش، موضوع را به نقاط خاکستری حقوق بین الملل (نقاطی که تاکنون رویه منسجم و متحدالشکلی شکل نگرفته است) سوق داده‌اند. به این دلیل، اثبات یا رد ادعای حقوقی در آن زمینه دشوار است. در واقع مورد ایران، خود رویه‌ای است که تولید کننده حقوق مطلوب مورد نظر طرف‌های مقابل است. به این دلیل، یکی از راهبردهای ایران در این موضوع باید بر این امر متمرکز باشد که از استدلال حقوق ضعیف، فاصله گرفته و تاکید بیشتر بر استدلالات قوی و محکمه‌پسند گذاشته شود (سادات میدانی، ۱۳۹۵، ۲۵۱).

مجموع تحولات مربوط به پرونده‌ی هسته‌ای ایران، چه قبل و چه بعد از خروج آمریکا از برجام، حاکی از آن است که طرف‌های مقابل به طرق مختلف (مذاکرات، در قالب آژانس بین المللی انرژی اتمی و در قالب شورای امنیت) در صدد افزایش دامنه‌ی تعهدات بین المللی ایران بوده‌اند. علاوه بر این، الزام‌آور کردن درخواست‌های شورای حکام، یکی از سیاست‌هایی بوده است که طرف‌های غربی همواره به دنبال آن بوده‌اند تا از این راه در تعارض حقوق، به برتری قطعنامه‌های شورای امنیت استناد شود (همان منبع).

۴-۳ اقدامات اروپا بعد از خروج آمریکا از برجام

اتحادیه اروپا مخصوصاً سران پنج کشور باقی مانده از مذاکرات هسته‌ای بارها بر ادامه برجام حتی بدون آمریکا تأکید کرده‌اند و با صدور بیانیه‌ای طرح ۱۹۹۶ مبنی بر حمایت از شرکت‌های اروپایی در مقابل تحریم‌های آمریکا را به تصویب رساندند، اما هم رهبران کشورهایی چون آلمان و فرانسه و هم وزیر امور خارجه ایران با واقعیت مواجه شده و خبر از آن دادند که اتحادیه اروپا توانایی ایستادن در مقابل تحریم‌های آمریکا را ندارد. آنچه امروز مبنای عقلانیت مدرن را می‌سازد برخورد متناسب با واقعیات بر اساس امکانات موجود است. اگر مبنای عقل مدرن را، نقد عقل محض کانت بدانیم، وی معتقد است که نقد یعنی احصاء امکان‌ها و اگر بر مبنای این گزاره درصدد تصمیم برآیم امکان این روزهای جهان نه بر اساس زور که اگر بود نتیجه تنش‌های جنگ سرد ماحصلی داشت که بر اساس گفت‌وگویی بر مبنای

داد و ستد شکل می‌گیرد. اساساً دنیای پسا جنگ، دنیای داد و ستد است زیرا نظریه تأسیس سازمان‌های جهانی همچون سازمان ملل و WTO بر اساس اشتراک منافع و عدالت در اقتصاد (نه مساوات) بنا شد و حال وقتی جهان و حتی دولتمردان پیشین آمریکا خبر از آن می‌دهند که ما دیگر توان هماهنگ‌سازی را نداریم؛ یعنی اینکه اعوجاج رفتاری این کشور توانسته جبهه‌های دیگر برای نجات جهان ایجاد کند. اگر بپذیریم که تراز تجاری کشورها مشخص‌کننده شرایط برجام پس از خروج آمریکاست و اگر با کمی خوشبینی به تضامین اروپایی‌ها بنگریم و در کنار آن بی‌سابقه‌ترین تحریم‌هایی که هدف ترامپ و تیم استراتژیست آن است را در نظر بیاوریم سه نکته در رأس آن قرار دارد: اول تحریم نفت ایران به عنوان شاه‌رنگ استراتژیک ایران که البته بر اساس دستورالعمل کنگره در سال ۲۰۱۳ هر ۱۲۰ روز یکبار باید توسط رئیس جمهور آمریکا بررسی شود که آیا قیمت نفت بر منافع این کشور تأثیر گذاشته است یا نه اما این بار یک امای بزرگ بر سر راه تحریم نفت ایران وجود دارد. ما اگر در دوره قبل عربستان تضمین می‌کرد که در صورت خروج ایران از بازار، کمبود حضور آن را جبران خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

گذشته از حقوق ناظر بر خودیاری، شاید بتوان اقدامات متقابل را جزو آن مفاهیمی تلقی نمود که از آنها با عنوان عوامل رافع وصف متخلفانه عمل یاد می‌شود که عبارتند از: رضایت، دفاع مشروع، اقدامات متقابل، قوه قاهره، ضرورت و اضطرار. مطالعه اقدامات متقابل و تطبیق مفاهیم مذکور نماینگر این است که اقدامات اتحادیه اروپا را می‌توان جزوی از مصادیق اقدامات متقابل در این معنا دانست. به عبارت دیگر ماهیت حقوقی اقدامات اتحادیه اروپا با ماهیت اقدامات متقابل سازگارتر است. لیکن با اعمال حقوق حاکم بر این اقدامات می‌توان به این نکته پی برد که اقدامات اتحادیه اروپا علی‌رغم اینکه در چارچوب مذکور جای می‌گیرند ولی به دلیل عدم رعایت نشدن شرایط ماهوی و شکلی توسل به چنین اقداماتی از وجاهت قانونی برخوردار نبوده و از این رو مسئولیت سازمان مذکور را در پی داشته‌اند که نتیجه آن توقف این اعمال و عدم تکرار آن و همچنین جبران خساراتی خواهد بود که در نتیجه آن اقدامات به ایران وارد شده است. از سوی دیگر، مجموع تحولات پرونده هسته‌ای ایران در طی سه دهه اخیر، به روشنی حاکی از آن است که طرف‌های مقابل به طرق مختلف (اعم از مذاکرات، در قالب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و در قالب شورای امنیت) درصدد افزایش بیش از پیش دامنه تعهدات بین‌المللی ایران بوده‌اند. در ضمن، الزام آور کردن درخواست‌های شورای حکام، یکی از سیاست‌هایی بوده است که طرف‌های غربی همواره به دنبال آن بوده‌اند تا از این راه در تعارض حقوق، به برتری قطعنامه‌های شورای امنیت استناد شود.

آنچه از پس بررسی مسائل تحقیق می‌توان نشان داد آن است که اگر به تئوری عقل مدرن که در بالا به آن اشاره شد، رجوع کنیم و اساس قواعد بین‌المللی را در نظر بگیریم بر اساس شرایط موجود امکان ادامه برجام وجود دارد. در واقع باید واقعیت جهان امروز را پذیرفت، باید پذیرفت که تجارت حرف اول را

می‌زند و عموماً کشورها بر اساس منافع‌شان عمل می‌کنند، حتی اگر این منافع از بین برنده اساس حقوق بین‌الملل باشد. برجام بماند یا نه یک آزمون بزرگ برای جهان به خصوص کشورهای اروپایی می‌باشد. تا مشخص کنند که عوامل اقتصادی و تجارت بر تعهدات بین‌المللی ارجحیت دارد و یا خیر و این که تا چه میزان میتوان به توافقات بین‌المللی اطمینان داشت و فراموش نشود که اساس تأسیس سازمان ملل رسیدن به یک مفاهمه برای نیل به صلح و اشتراک منافع بود. حال اگر با هر تغییر در سران قرار بر آن باشد که تعهدات از بین روند شرایط به ما قبل جنگ جهانی دوم در جهان باز خواهد گشت. جایی که معاهده ورسای از طرف یکی از طرفین نقض گردید و شد آنچه نباید می‌شد. حال جهان نظاره گر رفتار دول اروپایی است که آیا حیثیت حقوق را که بر اساس واقعیت مدرن صورت بندی شده نجات خواهند داد و یا خود را به دست قضاوت تاریخ خواهند سپرد.

فهرست منابع و مآخذ

الف: منابع فارسی

- ابراهیمی، محمد حسن، تاملی بر جایگاه تحریم‌های اقتصادی و مساله هسته‌ای ایران از منظر حقوق بین الملل، مجله مطالعات حقوق، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱، صص ۹۵-۱۱۴.
- احمدی‌نژاد، حمید، یزدانی، عنایت‌الله، وثوقی، سعید، تاثیر هویت نقشی بر راهبردهای تصمیم‌گیری در مورد پرونده هسته‌ای و بازنمایی آن در دوره‌ی روحانی، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۹۸-۲۰۶.
- امین زاده، الهام، خداپرست، ناصر، نقد تحریم نفت ایران از طرف اتحادیه اروپا از منظر حقوق بین الملل، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۹۱.
- باقری چوگامی، سیامک، محمدی الموتی، محسن، ریشه‌های مناقشه‌ی امریکا در مواجهه با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران با تاکید بر تئوری موازنه‌ی تهدید، مجله‌ی پژوهش‌های سیاست اسلامی، پائیز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۶، صص ۱۱۱-۱۳۸.
- توحید فام، محمد، حضوری طریقه، انوشا، تغییر ساختار سیاست خارجی سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر روابط خارجی ایران با کشورهای عضو، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰، صص ۲۶۱-۲۹۰۸.
- حسن بیگی، ابراهیم، حسینی، محمدرضا، تحکیم و تثبیت حق غنی‌سازی جمهوری اسلامی ایران در پرتو حقوق بین الملل هسته‌ای، مطالعات سیاسی جهان اسلام، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۱۰، صص ۷۵-۱۰۲.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، رویکرد اعراب به برنامه‌ی هسته‌ای ایران، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهاردهم، شماره ۳ و ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۶، صص ۵۵-۸۶.
- ذوالفقاری، وحید، جعفری، علی اکبر، معمای هسته‌ای ایران و سنجش منطق سیاسی بازیگران، فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۶۵-۲۰۰.
- زاهدی، نسا، امینی، سعید، تاثیر برجام بر همکاری‌های امنیتی اتحادیه اروپا و ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۰، پائیز ۱۳۹۵، صص ۳۵-۵۰.
- زمانی، سید قاسم، و مظاهری جمشید، تحریم‌های هوشمند شورای امنیت در پرتو قطعنامه ۹۱۹۱ حفظ یا تهدید صلح؟ مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال بیست و هشتم، شماره ۴۴، ۱۳۹۰.
- سادات میدانی، سید حسین، اختلافات آژانس انرژی اتمی با ایران در پرونده‌ی هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین الملل، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۲۱۹-۲۵۶.
- سادات میدانی، سید حسین، صلاحیت قانونگذاری شورای امنیت، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۷.

- ساعد، نادر، حقوق در بند سیاست، تحلیل قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت در خصوص برنامه هسته‌ای ایران، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
- عابدینی، حسن، ایزدی، جهانبخش، نقش متغیرهای داخلی بر سیاست‌گذاری هسته‌ای دولت یازدهم، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۷۱-۲۸۹.
- غریب، احمد، پیدایش و کاربردهای علوم و فناوری‌های هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی، زمستان ۱۳۸۴.
- غریب آبادی، کاظم، موضوع هسته‌ای ایران به روایت اسناد، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، بهار ۱۳۸۶، ص ۲۰.
- غریب آبادی، کاظم، برنامه هسته‌ای ایران: واقعیت‌های اساسی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.
- فلسفی، هدایت‌الله، حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- کریمی، محمدصادق، بررسی اثر وجود کشور رقیب و امکان اقدام متقابل در نتایج تحریم‌ها: نمونه موردی تحریم ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۴، پائیز ۱۳۹۶، صص ۱۷۹-۲۰۱.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تابستان ۱۳۸۶.
- مومنی، محسن، اروپا، شیپورچی آمریکا در برجام، فصلنامه فرهنگ پویا، بهار ۱۳۹۷، شماره ۳۷.
- نجات‌پور، مجید، آذرگون، عبادالله، یوسفی جویباری، محمد، مولفه‌های تاثیرگذار بر رویکرد اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران در دولت دهم، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۴، صص ۵۵-۷۱.

ب: منابع انگلیسی

- ___ Agreement establishing the World Trade Organization, 15 April 1994, 33 ILM (1994), 1144; Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes (Annex 2 to the WTO Agreement), 1226, at 12289.
- ___ Article 52 (1)(B) of the state responsibility provides that: “.... Notify the responsible State of any decision to take countermeasures and offer to negotiate with that State.” (Emphasis added)
- ___ Article 73 of the Vienna Convention on the Law of Treaties provides that: “The provisions of the present Convention shall not prejudice any question that may arise in regard to a treaty from a succession of States or from the international responsibility of a State or from the outbreak of hostilities between States.” (emphasis added).

___ Commentaries on the Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts International Law Commission Yearbook, Vol. 2, part 2, 2001

___ Convention on the Prohibition of Military or any other Hostile Use of Environmental Modification Techniques, United Nations, Treaty Series, vol. 1108 For the requirement of consent, see para. 6 of the Declaration annexed to General Assembly resolution 46/59 of 9 December 1991.

___ Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary v Slovakia), ICJ Reports 1977, In Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objection, I. C. J. Reports 1996

___ International Law Commission Yearbook , 2001, Vol. 2, part 2 Judgment of 6 May 2010, Case C-63/09, Walz v. Clickair SA Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, I. C. J. Reports 1996, p. 226, at p.

___ Phosphates in Morocco, Preliminary Objections, 1938, P. C. I. J. , Series A/B, No.

___ Responsibility of Germany for Damages Caused in the Portuguese Colonies in the south Africa (portugal v Germany)(Naulilaa), 31 July 1982, 2 RIAA 1011, 1026.

___ See eg: ‘EU discussing plan to start Iran oil ban on July 1’ Reuters (17 January 2012); ‘EU states agree in principle to sanction Iran central bank’ Reuters (18 January 2012).

___ United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, I. C. J. Reports 1980 With regard to the role of consent in relation to the function of verifying an electoral process, see the report of the Secretary-General on enhancing the effectiveness of the principle of periodic and genuine elections (A/49/675)

